

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

در سال گذشته صحبت در مورد استطاعت، تمام شد و مسأله تخلیه سرب ماند که آن هم مطلب قابل بحثی ندارد و بعضی از جزئیات باقی ماند که در اینجا یک اشاره ای می کنیم و آن روایات مختلفی است برای کسانی که به آنها پیشنهاد حج می شود.

اگر نظر رفقا باشد در سال گذشته عرض کردیم که کیفیت بردن حج و دعوت به حج فرق میکند، و این مسئله به دو صورت ممکن است باشد:

مسئله اول اینکه به شخص بذل مال شود یعنی مال را بیاورد و به آن شخص بدهد و تملیک کند برای حج و شخص مالک بشود در اینجا روایاتی داریم که قضای حج به معنای اتیان مکرر، واجب نیست، آن حج را انجام داده و وجوبش در اینجا ثابت شده و شرطش که استطاعت است همان بذل زاد و راحله در این جا محقق است.

قسم دوم از روایات که در آن جا بود (البته در

این جا هم داریم که نمی تواند برگرداند و حرام است
و نمی تواند رد کند و اختیار تملک و عدم تملک با
او نیست وقتی که شخص بذل زاد و راحله میکند،
واجب است که او به حج برود و استطاعت به این
وسیله حاصل شده) قسم دوم این است که مال را
تملیک نمی کند بلکه او را با خود می برند، یعنی می
گویند شما هم با ما بیا، ما که داریم می رویم، فرض
کنید که ماشین ما یک صندلی خالی دارد شما هم بیا
سوار شو، یا فرض کنید کاروان ما یک اسب یا شتر
خالی دارد، بیا سوار آن بشو، ما داریم می رویم می
توانیم یک بلیط طیاره هم برای شما بگیریم شما هم
همراه ما باش یک جایی هم برای شما در کاروان می
گیریم و به این کیفیت شخص را به حج می برند نه
این که بذل کنند در اینجا حضرت می فرماید:
(فلیحج اذ استطاع) این جا را سال گذشته عرض
کردیم که چه فرقی است؟ در هر دو صورت مطلب
یکی است منتها در اولی بذل مال شده است به عنوان
تملیک و در دومی نشده فقط گفتند بیا به حج برویم.
سال گذشته اگر نظر رفقای که بودند باشد،
علتش را عرض کردم و گفتم: اولاً مرحوم شیخ حرّ

را در این جا قائل به استحباب شدند، روایت از حمید بن زیاد است که محل اختلاف و بحث است عن ابن سماعه عن عدی من اصحابنا عن أبان بن عثمان عن فضل بن عبدالملک عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألت عن رجل لم یکن له مال یعنی فقیر است و مستطیع نیست، فحج به اناس من اصحابه نمی گوید بذل له زاد و راحله، فحج به اناس من اصحابه أقضی حجه الاسلام قال: نعم حجه الاسلام را انجام داده، و حجش درست است چه فرق می کند بین بذل زاد و راحله و بین این که بدون بذل زاد و راحله فحجّ به؟ همراه با او بدون اینکه پول بدهند، یک ریال هم پول نداده ولی گفته هر چی بخواهی می خریم، پول دستت نمی دهیم، دستت بدهیم خرج می کنی و به این و آن می دهی، هر جا ما غذا بخوریم به تو هم می دهیم، هر جا سوار بشویم تو را هم می بریم حضرت می فرماید: نعم، این حجش درست است چون بردند و مستطیع شده فان أیسر بعد ذلک، صحبت در این است این قضیه اگر نظر رفقا باشد در مورد مخالف هم این قضیه آمد که مخالف وقتی مستبصر بشود يجب علیه القضا در بعضی از روایات داریم يجب علیه القضا در بعضی

دیگر داریم که لازم نیست، که ما گفتیم آنجایی لازم نیست که شخص از روی غفلت و از روی عدم عناد باشد فرق می کند با آن جایی که معانداً و از روی غرض باشد آن جا را حضرت می فرماید: یجب علیه القضا وقتی که استبصر که در مورد ناصب و مخالف این مسئله بود، یجب علیه، ولی در موردی که این شخص از روی غفلت آمده انجام داده این را حضرت می فرماید: ان یقضی احب الیّ که حکم بر استحباب در این جا شده است موارد مختلف است، فرق می کند که این حج با چه نیتی انجام شده و با چه مرام و روشی انجام شده .

در این جا حضرت می فرماید: حجش درست است چون او را به حج بردند و استطاعت برایش حاصل شده است بعد حضرت در این جا می فرماید فان أیسر بعد ذلک اگر بعداً" این شخص استطاعت پیدا کرد و به یسر رسید فعليه ان یحجّ خیلی عجیب است یعنی باید دوباره انجام دهد آیا این را حمل بر استحباب کنیم؟ قلت هل تکون حجّته تلک تامّه او ناقصه؟ شما که می گوئید علیه ان یحج این ایراد کجاست؟ آیا این حجی که انجام داد ناقص بود؟ اگر این طور است پس چطور می شود اقصی حجه الاسلام؟ اگر حجش ناقص بود دیگر حجه الاسلام

را انجام نداده در حالی که حضرت می فرماید: قضی
حجه الاسلام قال: نعم یعنی (لله على الناس حج
البيت) از او متمشی شده است، و حجه الاسلام است
و یحجّ به اناس، الان متمشی شده، لذا حضرت می
فرماید: نعم، ولیست بناقصه و إن أیسر فلیحجّ اگر
در این جا به یسر برسد باید حج انجام دهد مگر دو
تا حجه الاسلام داریم؟ خوب این را باید چه کرد؟
ما یک حجه الاسلام بیشتر نداریم، یک حجه الاسلام
است و آن در تمام عمر فقط یک مرتبه است
امام (علیه السلام) هم امضا کردند حجی را که یحج
به اناس، پس سقطت عنه حجه الاسلام، وقتی حجه
الاسلام از او ساقط شد این حج دوم می شود حج
مستحب، باید این طور بگوییم اگر حج، حج
مستحب است چرا حضرت گفتند: فعليه ان یحج
یعنی باید برود انجام بدهد این علیه برای چیست؟
این قضیه است که فقها در آن گیر کرده اند، در
تقریرات نگاه کنید اقول حمل الشيخ، الامر بالحج
هنا على الاستحباب، شیخ طوسی در اینجا آمده
حمل بر استحباب کرده حمل بر استحباب اشکال
ندارد ولی عبارت امام علیه السلام که می فرماید:
عليه ان یحج و بعد هم دوباره تکرار می کند: و إن

أيسر فليحج، با استحباب نمی سازد و جور در نمی آید.

شما خودتان را جای شخص بگذارید و پیش امام صادق (علیه السلام) بروید و قضیه را مطرح کنید که ما پول نداشتیم و رفقای، ما را بردند مکه، آیا حجه الاسلام بوده یا نه؟ حضرت می فرماید: بوده حجه الاسلام دو تا که نداریم!! حضرت می فرماید اگر پولدار شدی باید بروی مکه، نمی فرماید: يستحب أن تعید، استحباب در اینجا نیست یا در مورد مخالف نمی فرماید: أحبّ الیّ أن تعید! أحبّ نداریم یا إننی أحبّ أن تعید ندارد!! یا این که الأحسن ان تعید یا أن تقضى أحبّ الیّ ندارد حضرت می فرماید عليك ان تحج یعنی بر تو است و واجب است و این با مستحب جور در نمی آید مگر ما چند تا حجه الاسلام داریم!؟

تلمیذ: می شود گفت حضرت در واقع می خواهند نوع حج را بفرمایند؟

استاد: فقط یک حج بر ذمه شخص است در تمام طول عمر و آن عبارت است از حجه الاسلام.

تلمیذ: منظورم این است که مانند همان حجی که

صبی انجام می دهد.

استاد: حج صبی حجه الاسلام به حساب نمی آید، حج صبی ممضی و صحیح است، در حال صباوت، ولی حجه الاسلام به حساب نمی آید مانند نماز صبی، که صحیح است و ممضی و مأجور است ولی همین صبی اگر بعد به بلوغ برسد نمازش، نماز واجب می شود حالا اگر شما فرض کنید صبی را در حال شیرخوارگی حج بردید آیا حج از او ساقط است؟

تلمیذ: وقتی صبی نماز صبح می خواند، شما می گویند نماز مستحبی می خواند؟ نماز صبح است، نافله که نیست، لذا حضرت خواستند فرق بین نافله و واجب را بفرمایند؟

استاد: نماز دارد می خواند، نماز مستحبی نمازی است که در شرع متّصف به استحباب شده است نافله صبح متّصف به استحباب است سواء صدرَ مِنَ الْبَالِغِ او صدرَ مِنَ الصَّبِيِّ، اگر صبی نافله صبح را بخواند نمی گویند نماز واجب خواند می گویند نماز مستحب خواند، بالغ هم اگر نافله صبح بخواند می

گویند نماز مستحب خواند اگر صبی نافله خواند و بعد نماز واجب را بخواند می گویند نماز مستحب خواند یا نماز واجب خواند؟ چه نماز واجبی را خوانده که می تواند نخواند؟ و این چه جور نمازی است که هم واجب است و هم می تواند نخواند؟ ولی بر بالغ واجب است و باید بخواند؟ اگر صبی نماز صبح خواند شما می گوید نماز مستحب خواند؟ بلی صبی نماز واجبی را که می خواند، یک وصف و نعت دیگری در این جا می آید و آن اینکه نماز واجب بر او الزامی نبوده، اتیانش بر او مستحب بوده نه این که خود نماز مستحب بوده خود نماز واجب است اتیانش برای این مستحب است نماز مستحب یک چیزی است و نماز واجب چیز دیگری است اگر نماز مستحب را صبی بخواند می گوئیم نماز مستحب را مستحباً انجام داده نمازی که مستحب بوده آمده به زعم استحباب این را انجام داده یعنی فرض کنید که بر او نه الزام بوده نه هیچی! خدا هم به او ثواب داده نماز صبح را بخواند می گوئیم نماز واجب را به استحباب انجام داده همان نماز صبح را با حدود و صغورش و میزان ثوابش، چون

نماز واجب، میزان ثواب و اجرش بیشتر از نماز نافله است یعنی خدا برای نماز نافله که صبی خوانده یک مقدار اجر داده، فرض کنید که مثلاً دو عدد و برای نماز صبح که واجب بوده چهار تا داده، ولی این چهار تا دادن واجب نبوده مستحب بوده است این منظور بوده است

حالا حجّی که انجام می دهد درست است ولی آن حجه الاسلام نیست حجی که در ده سالگی انجام می دهد درست است و باطل هم نیست و ثواب حج واجب را که خدا برای بزرگترها در نظر می گیرد همان را به این می دهد ولی این کفایت می کند که حج را انجام ندهد؟ نه! دوباره این حج را به عنوان حجه الاسلام انجام دهد.

اشکال در این جا است وقتی کسی حج را حجه الاسلام انجام می دهد و امام صادق علیه السلام امضا می کنند که حج، حجه الاسلام است پس بنابراین مصلحت ملزمه برای حج ساقط شد، لذا مصلحت دیگری در این جا نیست، چرا حضرت می فرماید: فعلیه أن یحج؟ اینجا است که شخصی مثل شیخ

طوسی مجبور شده است که بگوید حج دوم مستحب است چون حجه الاسلام را دیگر انجام داده است اگر نگوید، چه بگوید؟ چاره ای ندارد!

بعضی دیگر که نتوانستند این را حمل بر استحباب کنند، و گفتند که جور در نمی آید با این علیه آمدند و حمل کردند و یمكن الحمل علی الوجوب الکفایی این خیلی عالی است حمل بر وجوب کفایی شده است و علیه أن یحج یعنی به نحو کفایی برود شاعر گفت: چون قافیه تنگ آید، شاعر به جفنگ آید و علی کون الحج الاول علی وجه النیابه حج اول چیست؟ خوب است آدم کمی فکر کند حالا خود شیخ طوسی این حرف را نزده، شیخ حر است که حرف می زند حج به اناس یعنی او را بردند، و در بالا هم می گوید حجه الاسلام است خوب چشم باز کن بین روایت چه گفته است؟! حالا رسم این شده است دیگر!! یک چیز بپرانیم و بگوییم و خودمان را از مخمسه در بیاوریم حالا هر چه می خواهد باشد حضرت می فرماید حجه الاسلام انجام داده است شما چه می گوید حج کفایی است یا نیابتی؟ حج نیابتی که حجه الاسلام نیست، مربوط به

فردی است که از طرف او انجام می شود علی ای
حال این یک مسئله است.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ